

بررسی مفهوم اعتدال در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

محمدحسین توحیدی فرد^۱، ابراهیم نوری^۲

چکیده:

اعتدال از ریشه‌ی عدل، به معنی میانه‌گیری مابین دو حالت یک چیز از نظر کمی و کیفی و تناسب برقرار کردن میان آن دو است. آیات و روایات فراوانی در خصوص رعایت نمودن اعتدال وجود دارد که گویای اهمیت قرآن و سیره معصومین (ع) به سرنوشت انسان‌ها و اهمیت کلیدی این موضوع در زندگی بشر است. در همین راستا اندیشه‌ها و دیدگاه‌های رهبر انقلاب در موضوع اعتدال از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مقاله حاضر به بررسی مفهوم اعتدال با استناد به بیانات ایشان در دوره زمانی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴، به روش مطالعات کتابخانه‌ای پرداخته و در چهار بخش اصلی شامل: ۱- مفهوم شناسی و ژانر اعتدال، ۲- ضرورت و اهمیت اعتدال، ۳- شاخص‌های اعتدال‌گرایی شامل: بازگشت به مبانی اسلام، ایجاد محیط اسلامی، ایمان، دوری از افراط و تفریط و ... ۴- راه کارهای ایجاد فرهنگ اعتدال همچون: عقلانیت توأم با معنویت، توزیع عادلانه امکانات، اصلاح الگوی مصرف، توجه به تمامی ابعاد زندگی و ... تنظیم و مورد بررسی قرار گرفته است. در این نوشتار درمی‌یابیم که ایشان راه رسیدن به اعتدال‌گرایی جامعه در عصر حاضر را عدم افراط خشک‌سرانه و تفریط غرب‌گرایانه، با ترکیب معنویت، عدالت و عقلانیت و با روش مردم‌سالاری دینی در پرتو خودشناسی و آگاهی به ارزش‌های انسانی می‌داند.

واژگان کلیدی: اعتدال، مقام معظم رهبری، عقلانیت، معنویت، دوری از افراط و تفریط.

مقدمه:

از دیدگاه اسلام، حسن «تعادل» و «حد وسط» و دوری از افراط و تفریط به‌عنوان یک اصل اساسی و فراگیر در تمامی عرصه‌های و امور؛ اعم از تشریح و تکوین می‌باشد؛ آن‌چنان که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: خیر الامور لوسطها؛ بهترین امور، حد وسط و میانه و حالت اعتدال آن‌هاست. (مجلسی، ۱۴۱۰: ۳۸۳) نقش و جایگاه اعتدال در جامعه مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و با

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان، erfani2015@gmail.com، مشهد، خیابان احمدآباد، مقابل سرم سازی رازی،

مدیریت مخابرات مشهد: ۰۹۱۵۸۲۲۷۱۹۱.

^۲ زاهدان، خیابان دانشگاه، کوی اساتید دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۰۵۴۳۱۱۳۶۷۰۶. استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان،

enoori@theo.usb.ac.ir

هدف دوری از تنش و جنجال‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... می‌باشد. به همین منظور ضروری است این مسئله مهم مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد تا چراغ و مسیری روشن برای جامعه مسلمین باشد. اساس انگیزه ما در این مقاله بررسی مفهوم اعتدال در اندیشه مقام معظم رهبری در چهار بخش زیر می‌باشد :

بخش اول : مفهوم شناسی واژه اعتدال؛

بخش دوم : ضرورت و اهمیت اعتدال از دیدگاه مقام معظم رهبری؛

بخش سوم : شاخص‌های اعتدال گرایی از دیدگاه مقام معظم رهبری؛

بخش سوم : راه‌کارهای ایجاد فرهنگ اعتدال از دیدگاه مقام معظم رهبری.

سؤال اصلی تحقیق این است که شاخص‌های اصلی فرهنگ اعتدال در اندیشه مقام معظم رهبری چیست؟ که بر اساس بخش‌های مذکور به این سؤال پاسخ داده شده است.

بخش اول) مفهوم شناسی واژه اعتدال :

اعتدال از ریشه عدل، به معنی میانه‌گیری مابین دو حالت یک چیز از نظر کمی و کیفی و تناسب برقرار کردن میان آن دو است. چنان‌که به روزها و شب‌های بهاری و پاییزی که اندازه یکدیگرند، «اعتدال بهاری و پاییزی» گفته می‌شود. (الحوزی، ۱۴۰۳: ۷۵۳) اعتدال به معنای راست (قرشی، ۱۳۷۱: ۸) و متوسط (مکرم، ۱۴۱۴: ۳۵۳) هم آمده است. از نظر رهبر فرزانه انقلاب معنای لغوی عدل هم یعنی میانه. اعتدال هم که می‌گویند، از این واژه است؛ یعنی در جای خود، بدون افراط و بدون تفریط؛ بدون چپ‌روی و بدون راست‌روی. این هم که می‌گویند عدل یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود، به‌خاطر همین است. یعنی وقتی هر چیز در جای خود قرار گرفت، همان تعادلی که در نظام طبیعت بر مبنای عدل و حق آفریده شده، به‌وجود می‌آید. (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۳/۰۸/۲۰)

بخش دوم) ضرورت و اهمیت اعتدال از منظر مقام معظم رهبری :

مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام در خصوص اعتدال فرمودند : شعار دولت، اعتدال است؛ اعتدال، شعار بسیار خوبی است، ما هم تأیید می‌کنیم اعتدال را؛ افراط محکوم است و بد است. سفارشی که من می‌کنم این است که مراقب باشید جریان‌های مؤمن را با شعار اعتدال کنار نزنند؛ بعضی‌ها این کارها را دارند می‌کنند، من می‌بینم در صحنه‌ی سیاسی کشور؛ با شعار اعتدال، با شعار پرهیز از افراط، سعی می‌کنند جریان مؤمن را که در خطرها آن جریان است که زودتر از همه سینه سپر می‌کند، آن جریان است که دولت‌ها را در مشکلات واقعی به معنای حقیقی کلمه حمایت می‌کند، کنار بزنند؛ مراقب باشید، اسلام، مظهر اعتدال است. این «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» اعتدال است؛ «فَتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» اعتدال است؛ امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر اعتدال است. اعتدال این‌ها است دیگر. معنای اعتدال این نیست که ما از کارهای احساس وظیفه‌ای که فرد مؤمن، جریان مؤمن، مجموعه‌ی مؤمن انجام می‌دهد، جلوگیری کنیم. (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶)

ایشان معتقدند بعثت نبی اکرم در قلمرو وجود فردی و تحول درونی انسان و همچنین در قلمرو حیات اجتماعی انسان و زندگی جمعی، هدفی را مشخص و معین کرده است. در قلمرو حیات اجتماعی، چیزی که به عنوان هدف معین شده است، عدالت اجتماعی است. (لیقوم الناس بالقسط) (قسط) با (عدل) فرق می‌کند. عدل یک معنای عام است. عدل همان معنای والا و برجسته‌ای است که در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب و همه‌ی حوادث دنیا وجود دارد. یعنی یک موازنه‌ی صحیح. عدل این است. یعنی رفتار صحیح؛ موازنه‌ی صحیح؛ معتدل بودن و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن. این، معنای عدل است. لکن قسط، آن طور که انسان می‌فهمد، همین عدل در مناسبات اجتماعی است. یعنی آن چیزی که ما امروز از آن به (عدالت اجتماعی) تعبیر می‌کنیم. این، غیر از آن عدل به معنای کلی است. انبیا اگر چه حرکت کلی‌شان به سمت آن عدالت به معنای کلی است (بالعدل قامت السموات و الارض)؛ آسمان‌ها هم باهمان اعتدال و عدالت و میزان بودن سر پا هستند اما آن چیزی که فعلاً برای بشر مسئله است و او تشنه‌ی آن است و با کمتر از آن نمی‌تواند زندگی کند، قسط است. قسط یعنی این‌که عدل، خرد شود و به شکل عدالت اجتماعی در آید. (لیقوم الناس بالقسط). انبیا برای این آمدند. بشر نمی‌تواند در سایه‌ی بی‌عدالتی و رفتار ظالمانه و تجاوز و تعرض و اتکای به قلدری و زور زندگی کند. این، زندگی نمی‌شود. این، جهنم است. انبیا آمده‌اند تا از محیط زندگی، بهشتی بسازند. انسان برای این نیامده است که به دیگران ضربه بزند، به دیگران حسادت ورزد، همه چیز را برای خود بخواهد، دیگران را محروم کند، از وجود او برای عالم و آدم شر صادر شود، به مسائل کوچک بچسبد و از کمال مطلوب‌ها و آرمان‌ها غافل گردد. برای این‌ها که انسان نیامده است! انسان آمده است تا خوب باشد، مفید باشد، حرکت کند و به سمت کمال برود. اگر چنین شد و به سمت کمال حرکت کرد و راه او برای خودش و دیگران مفید بود، آن انسان، تحول یافته و مزکی است. (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۱۱/۰۱)

بخش سوم) شاخص‌های اعتدال گرایی از منظر مقام معظم رهبری :

بازگشت به مبانی اسلام :

معظم له در این خصوص می‌فرماید : اسلام، هم در هنگام طلوع خود و هم امروز، راهی به دنیایی نوین، با زندگی‌ای سعادت‌مندانه و متضمن صلاح و فلاح انسان بوده و هست. رنج‌های اصلی بشر نیز که اسلام کمر به زدودن آن‌ها بسته در آن زمان و پیش از آن و امروز، همواره مسائل ثابت و واحدی بوده و هست. فقر، جهل، تبعیض، جنگ و ناامنی و بالاخره زندانی شدن در حصار مادی‌گری و اسارت در کمند خوی‌های زشت خویشتن، از همان رنج‌های اصلی است. اسلام که دین انسانیت و اعتدال و خردورزی و تسلیم در برابر حق متعال است و بی‌شک همه ادیان، پیش از ورود دست‌های تحریف، چنین بوده‌اند درمان این دردهای انسانی را با شیوه‌ای دور از زیاده‌روی و افراط و تفریط و از راه‌های خردپسند، بر بشر عرضه کرد و آدمی را به ذکر و تضرع و رابطه باطنی با خدای خود فرا خواند و مبارزه با بدی و تجاوز و ظلم و فساد و نیز مبارزه دائم با خودخواهی و خودپسندی و هوس -

رانی را به او آموخت و بدان توصیه کرد. احکام عمده اسلام بدین‌گونه شکل گرفته و برنامه اسلام برای زندگی فردی و اجتماعی و اخلاقی و سیاسی بشر، از این ریشه‌ها روییده است.

در نظام سیاسی اسلام؛ عدالت اجتماعی، آزادی‌های گوناگون، صلح عادلانه، مبارزه با زورگویی و تجاوز، روابط زن و مرد، روابط آحاد مردم در یک جامعه و روابط جوامع با یکدیگر و نیز تزکیه نفس و رابطه باطنی هر فرد با خداوند، همه و همه مبتنی بر آن پایه‌ها و ناظر به درمان آن دردهای کهن و همیشگی است. امروز هم به رغم ظواهر دلنشین و رنگین زندگی، بشر از همان دردهایی رنج می‌برد که در طول تاریخ برده است. اکثر مردم جهان فقیراند و عده‌ای معدود، بیشترین ثروت زمین را در دست دارند. اکثر ملت‌ها از پیشرفت علمی بی‌نصیب‌اند و جمعی دانش خود را وسیله زورگویی به دیگران کرده‌اند. در گوشه و کنار جهان، جنگ‌ها برپاست و دیگران هم دائماً از بروز جنگ بیمناک‌اند. در سطح جهان میان کشورها و نیز در اغلب کشورها میان طبقات مختلف، تبعیض وجود دارد. (بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، ۱۳۷۶/۰۹/۱۸)

ایجاد محیط اسلامی :

رهبر فرزانه انقلاب محیط اسلامی را یکی از شاخص‌های اعتدال‌گرایی دانسته و بیان می‌کنند: محیط اسلامی، محیط رحمت، اعتدال، حاکمیت معنویت و تقواست که خود معنویت و تقوا، یعنی آغوش بازی برای همه عواطف انسانی، همه احساسات صحیح بشری، همزیستی و آسایش معنوی انسان‌ها و آرامش دل‌ها. (بیانات در دیدار پرستاران و جانبازان، ۱۳۷۶/۰۶/۱۹)

ایمان :

ایشان در این باره فرمودند: عدل پایه‌ی سوم ایمان است. عدل یعنی هر چیزی در جای خود قرار گرفتن. در رفتار انسان، عدل لازم است. برای حکمران، عدل لازم است. در موضع‌گیری، عدل لازم است. در اظهار محبت و نفرت، عدل لازم است. قرآن فرموده است: و لا یجرمتکم شتان قوم علی آلا تعدلوا؛ دشمنی با کسی موجب نشود که شما درباره‌ی او از عدالت کناره بگیرید و عدالت را رعایت نکنید؛ (اعدلوا هو اقرب للتقوی). بنابراین عدل هم یکی از پایه‌های ایمان است. اگر عدل بود، ایمان می‌ماند. (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۳/۰۸/۲۰)

پیروی از قرآن کریم :

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به دعوت قرآن کریم به رعایت عدالت و اعتدال افزودند: عده‌ای دشمنی و خباثت می‌کنند و عده‌ای نیز از خباثت‌کنندگان حمایت می‌کنند اما اگر در این قضایا بدون دقت و درک کافی عمل شود ممکن است بیگانه‌انی که از این خباثت‌ها بیزارند لطمه جدی ببینند بنابراین همه باید از حرکت خودسرانه پرهیز کنند و همه چیز بر روال قانون انجام شود. (بیانات در دیدار پرشور هزاران نفر از مردم قم، ۱۹/۱۰/۱۳۸۸)

دوری از افراط و تفریط :

پیروی از مکتب امام خمینی (ره) :

معظم له افراط و تفریط را دو راه انحرافی از صراط مستقیم دانسته و راه نغلتیدن در گرداب انحراف را پیروی از مکتب حضرت امام (ره) می‌داند. لذا می‌فرماید: مکتب امام یک بسته‌ی کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعادی است؛ این ابعاد را باید باهم دید، باهم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بعد معنویت و بعد عقلانیت است. بعد سومی هم وجود دارد، که آن بُعد عدالت است. (بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۹۰/۳/۱۴)

۵.۲. مسئله‌ی زن و روابط زن و مرد :

ایشان در این خصوص بیان می‌دارند: وقتی که به صحنه‌ی تفکرات عالم نگاه می‌کنم و بینش اسلام را مشاهده می‌نمایم، به روشنی درمی‌یابم که جامعه‌ی بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسأله‌ی زن و رابطه‌ی زن و مرد، سلامت و کمال مطلوب خود را پیدا بکند که دیدگاه‌های اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آن‌ها را ارایه کند. این ادعای ما نسبت به مسأله‌ی زن در عالم است. ما آن چیزی را که در تمدن‌های مادی امروز نسبت به زن عمل می‌شود و وجود دارد، به هیچ وجه قبول نداریم و آن را به صرفه و صلاح زن و کل جامعه نمی‌شماریم. اسلام می‌خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و بالاتر از همه فضیلتی و معنوی زنان، به حد اعلیٰ برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده‌ی بشری به‌عنوان یک عضو حد اعلای فایده و ثمره را داشته باشد. (بیانات در دیدار گروهی از زنان پزشک سراسر کشور، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶)

اسلام یک موضع برجسته را در این بین انتخاب کرده؛ از افراط و تفریط جلوگیری نموده، و هشداری به همه مردم عالم داده است. اسلام، مردانی را که به‌خاطر قدرتمند بودن جسمی یا توانایی مالی، زنان و مردان را به‌خدمت می‌گرفتند و زن را مورد آزار و احیاناً تحقیر قرار می‌دادند، به کلی سر جای خود نشاند و زن را در جایگاه حقیقی خودش قرار داد و حتی از جهاتی، زن را در ردیف مرد قرار داد: ان المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات؛ مرد مسلمان، زن مسلمان، مرد عابد، زن عابد، مرد متعهد، زن متعهد. پس، در اسلام همه این مقامات معنوی و درجات انسانی، بین زن و مرد با‌التویه تقسیم شده است. در این موارد، مرد و زن با یکدیگر مساوی و برابرند، هر کس که برای خدا کار کند، (من ذکر او انشی)؛ چه مرد باشد و چه زن، (فلنحییته حیاتاً طیبه). (بیانات در دیدار گروهی از خواهران پرستار، ۱۳۷۳/۰۷/۲۰)

غربی‌ها در زمینه شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن، دچار افراط و تفریط بوده‌اند. اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. (بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰)

۵.۳. جنبش‌های دانشجویی :

توصیه‌ی من به فضای دانشجویی و محیط دانشجویی، همین مطلبی است که عرض کردم؛ یعنی خواستن، مطالبه کردن، داعیه داشتن؛ هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل خاص دانشگاهی؛

همراه با عقلانیت، من از اول انقلاب تا حالا، حتی در آن روزهایی هم که روزهای بعضی از تحركات نامتناسب بود و من به دانشگاه تهران می‌آمدم و با جوان‌ها صحبت میکردم، عقیده و سلیقه‌ام همین بود که دانشجو باید از افراط‌وتفریط پرهیز کند؛ من با افراط - کاری و زیاده‌روی‌های گوناگون در هر جهتی، موافق نیستم. با اعتدال، با روش منطقی و صحیح مسائل را دنبال کنید و بدانید که خواست و پیگیری شما اثر دارد. این تصور غلط نباشد که چه فایده دارد؛ نخیر، کاملاً فایده دارد. اگر مثلاً شعار عدالت - خواهی که حالا یک مسئولی این را بر زبان آورده، گفته می‌شد، بعد هم تمام می‌شد، کسی در جامعه پرچم عدالت‌خواهی را به دست نمی‌گرفت. مطمئن باشید یک دولت عدالت‌خواه و یک گفتمان عدالت‌خواهی مثل امروز به وجود نمی‌آید. شماها کردید؛ کار شما جوان‌ها بود؛ به‌عنوان جنبش عدالت‌خواهی، به‌عنوان طرح مسئله‌ی عدالت‌خواهی نمی‌خواهم حالا به یک تشکیلات خاص اشاره کنم این را در دانشگاه‌ها جوان‌های مؤمن، جوان‌های متعهد، جوان‌های بامسئولیت مطرح کردند، گفتند؛ وقتی تکرار شد، به شکل یک گفتمان عمومی درمی‌آید و نتیجه‌اش را در گزینش‌های مردم، در جهت‌گیری‌های مردم، در شعارهای مردم، در انتخابات مردم، نشان می‌دهد. منتها این انتظار که همه‌ی آنچه را که ما خواستیم، در کوتاه‌مدت تحقق پیدا کند، عملی نیست؛ در هیچ شرایطی در کوتاه‌مدت، آرمان‌های بزرگ تحقق پیدا نمی‌کند. آرمان‌های بزرگ احتیاج به استمرار عمل دارد. کار را بایستی به‌صورت پیگیر دنبال کرد و از آن مأیوس نشد تا به نتیجه برسد. (بیانات در دیدار دانشجویان نخبه، برتران کنکور و فعالان تشکل - های سیاسی فرهنگی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۰۷/۱۷)

۵.۴. زمان و مکان اجتهاد :

رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید : زمان و مکان و احوال گوناگون زندگی بشر و تازه‌های جهان، به فقیه دین شناس و زمان شناس کمک می‌کند که خود و اهل زمان خود را از آن کوثر یعنی سرچشمه‌ی لایزال و فزاینده، سیراب سازد و محرومیت از آن را برای بشر که همواره و همه جا نیازمند دین و شریعت الهی است، برنتابد. در فهم و تطبیق این اصل کلی، روشن‌بینی و درعین‌حال، انضباط فکری تمام باید به کار گرفته شود. هرگونه افراط‌وتفریط در این کار حساس و خطیر، زیان‌های جبران‌ناپذیر به بار خواهد آورد. در این کار، لطمه‌ی بی‌بندوباری علمی، به همان اندازه سنگین است که جمود فکری و کوتاه‌بینی. (پیام به کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد، ۱۳۷۴/۱۲/۲۴)

توجه به نیازهای مادی :

رهبر انقلاب اسلامی خاطر نشان کردند : البته اسلام در کنار معنویت، به تأمین نیازهای مادی بشر در حد اعتدال نیز توجه ویژه دارد. (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۹/۱۱/۱۳۹۰)

بخش سوم : راه‌کارهای ایجاد اعتدال گرایی در جامعه از منظر مقام معظم رهبری

اعتدال همراه با عقلانیت و معنویت :

ایشان در این خصوص فرمودند : عدالت، به حسب ظاهر، مفهوم ساده‌یی است و همه می‌گویند و آن را تکرار می‌کنند؛ منتها در مصداق و در عمل، رسیدن به عدالت خیلی دشوار است؛ همان نکته‌ای که امیرالمؤمنین درباره‌ی حق فرموده است: (الحق اوسع الاشياء فی التواصف و اضيقها فی التناصف). در مورد عدل هم عیناً همین‌طور است؛ چون عدل هم حق است و اصلاً از هم جدا نیستند. به یک معنا، حق همان عدل است؛ عدل همان حق است؛ تواصفش آسان است، اما در عمل، رسیدن به عدالت مشکل است؛ حتی شناختن موارد عدالت و مصادیق عدالت هم گاهی خیلی مشکل است؛ کجا عدالت است، کجا بی‌عدالتی است. من نمی‌خواهم الان عدالت را تعریف کنم که چیست. تعریف‌های کلی و عمده‌یی از عدالت شده؛ تقسیم عادلانه‌ی امکانات و از این قبیل حرف‌ها، که درست هم هست و محتاج تدقیق و ریزبینی هم هست؛ یعنی شما در هر یک از بخش‌هایتان واقعاً باید ببینید عدالت چیست و با چه چیزی حاصل می‌شود.

من می‌خواهم این نکته را هم عرض کنم که اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، در حالی که نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است.

اگر عدالت را از معنویت جدا کنیم یعنی عدالتی که با معنویت همراه نباشد این هم عدالت نخواهد بود. عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظام‌های کمونیستی که شعارشان عدالت بود. عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت، مواجهه و مقابله کنید. البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک بُعدی است. بعضی‌ها اهل معنا نیستند، اما هیچ‌نگاهی به عدالت ندارند؛ این نمی‌شود. اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسان‌ها ندارد؛ (من اصبح و لم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم). آدم معنوی‌ای که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنوی است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم. بنابراین معنویت و عدالت در هم تنیده است. (بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

توزیع عادلانه امکانات :

این نکته را هم در باب عدالت عرض کنیم که بعضی‌ها می‌گویند عدالت یعنی توزیع فقر. نخیر، کسانی که بحث عدالت را می‌کنند، به هیچ‌وجه منظورشان توزیع فقر نیست؛ بلکه توزیع عادلانه‌ی امکانات موجود است. آن‌هایی که می‌گویند عدالت توزیع فقر است، مغز و روح حرفشان این است که دنبال عدالت نروید؛ دنبال تولید ثروت بروید تا آنچه تقسیم می‌شود، ثروت باشد. دنبال

تولید ثروت رفتن بدون نگاه به عدالت، همان چیزی می‌شود که امروز در کشورهای سرمایه‌داری مشاهده می‌کنیم. در غنی‌ترین کشور عالم یعنی آمریکا کسانی هستند که از گرسنگی و از سرما و گرما می‌میرند؛ این‌ها که شعار نیست؛ واقعیت‌هایی است که مشاهده می‌کنیم. (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

صبر و عدم خستگی :

بعضی‌ها با نام عقلانیت، با نام اعتدال، با نام پرهیز از جنجال و در دسر بین‌المللی، می‌خواهند از میانی انقلاب و اصول انقلاب کم بگذارند! این نمی‌شود؛ این نمی‌شود. این نشانه‌ی بی‌صبری و نشانه‌ی خسته شدن است. گاهی این خسته شدن را که خودشان خسته شده‌اند به مردم نسبت می‌دهند: مردم خسته شده‌اند! نه، خیر. مردم آن وقتی که احساس کنند مسئولین کشور با سربلندی مسلمانی و عبودیت خودشان را اعلام می‌کنند، خوشوقت می‌شوند؛ خوشحال می‌شوند. (بیانات در دیدار روسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش‌های مختلف نظام، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹)

۴. توجه به گسترش عدالت و جلب خشنودی توده‌های مردم :

معظم له فرمودند : توجه به گسترش عدالت و جلب خشنودی توده‌های مردم نشانه‌ی دیگر مردم‌سالاری است؛ (و لیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق و اعمها فی العدل و اجمعها لرضی الرعیة) ؛ دنبال کارهایی باش که از افراط و تفریط دور باشد و عدالت را در سطح وسیع‌تری شامل حال مردم کند؛ یعنی سطح تماسش با مردم و منافع آنها هرچه وسیعتر باشد و رضایت و خشنودی عامه و توده‌های مردم را بیشتر جلب کند. دنبال این نباش که رضایت گروه‌های خاص یعنی صاحبان ثروت و قدرت را به دست آوری. من و شما مخاطب این خطابیم. الان شما اگر وزیرید، اگر نماینده‌اید، اگر از مسئولان مربوط به نیروهای مسلحید، اگر مربوط به رهبری هستید، اگر مربوط به قوه قضاییه هستید، هر جا هستید، باید توجه داشته باشید کاری که انجام می‌دهید، در جهت میل صاحبان ثروت و قدرت نباشد؛ که این‌ها در این فرمایش امیرالمؤمنین (ع) به (خاصة) تعبیر شده است. بعد می‌فرماید: فان سخط العامة یجحف برضی الخاصة؛ اگر دل صاحبان ثروت و قدرت را به دست آوردید و مردم را ناراضی کردید، نارضایتی مردم این گروه‌های خشنود شده خواص یعنی صاحبان ثروت و قدرت را مثل سیلابی خواهد برد. و ان سخط الخاصة یغفر مع رضی العامة؛ اما اگر رعایت میل دل صاحبان ثروت و قدرت را نکردید، از شما ناراضی می‌شوند؛ بگذار ناراضی شوند. وقتی مردم از شما راضی‌اند و برای آن‌ها کار کردید، بگذار این‌ها ناراضی باشند. (یغفر): این نارضایتی بخشوده است. (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

۵. رعایت اعتدال در انجام کارها :

ایشان در این خصوص فرمودند : یک جمله‌ی در این فرمان بسیار مهم این است که (و لیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق و اعمها فی العدل و اجمعها لرضی الرعیة). فهرست کارهایی که انسان باید انجام دهد، یک چیز طولانی است و به همه‌ی

این‌ها هم نمی‌رسد. حضرت می‌فرماید: محبوب‌ترین کاری که می‌خواهی انتخاب کنی، اولاً (اوسطها فی‌الحق) یعنی وسط‌تر باشد. وسط، یعنی میانه‌ی افراط و تفریط؛ نه در آن افراط وجود داشته باشد، نه تفریط. حق هم درست همین است؛ هیچ‌گاه نه در جهت افراط است، نه در جهت تفریط. (اوسطها فی‌الحق) یعنی به‌طور کامل در آن رعایت حق بشود؛ یعنی دقیقاً در حد وسط بین افراط و تفریط باشد. ثانیاً (و اعمها فی‌العدل) باشد؛ عدالتی که از آن ناشی می‌شود، سطح وسیع‌تری از مردم را فرا بگیرد. گاهی ممکن است کاری عادلانه باشد؛ اما کسانی که از این عدل سود می‌برند، جماعت محدودی باشند. ممکن است کاری ظلم هم نباشد، کار عادلانه و درستی هم باشد؛ اما دایره‌ی این کار، محدود باشد. یک وقت نه، انسان دایره‌ی وسیعی از کار را مورد اتمام خودش قرار می‌دهد و جماعت کثیری از آن استفاده می‌کنند. حضرت می‌فرماید: این کار پیش تو محبوب‌تر باشد. محبوب‌تر بودن هم طبعاً معنایش این است که اگر امر دایر شد بین این کار و یک کار دیگر، این را انتخاب کنی؛ یعنی همان اولویت‌ها و تقدم‌هایی که ما همیشه می‌گوییم رعایت کنی. (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷)

۶. اعتدال در مصرف:

ایشان خاطر نشان کردند: ما مردم مسرفی هستیم؛ ما اسراف می‌کنیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در وسایل گوناگون و تنقلات، اسراف در بنزین. کشوری که تولیدکننده‌ی نفت است، واردکننده‌ی فرآورده‌ی نفت بنزین است! این تعجب‌آور نیست؟! هر سال میلیاردها بدهیم بنزین وارد کنیم یا چیزهای دیگری وارد کنیم برای اینکه بخشی از جمعیت و ملت ما دلشان می‌خواهد ریخت و پاش کنند! این درست است؟! ما ملت، به‌عنوان یک عیب ملی به این نگاه کنیم. اسراف بد است؛ حتی در انفاق راه خدا هم می‌گویند. خدای متعال در قرآن به پیغمبرش می‌فرماید: (لا تجعل یدک مغلوله‌ الی عنقک و لا تبسطها کل البسط)؛ در انفاق برای خدا هم این‌جوری عمل کن. افراط و تفریط نکنید. میانه‌روی؛ میانه‌روی در خرج کردن. این را باید ما به‌صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم. قرآن می‌فرماید: و الذین اذا انفقوا؛ کسانی که وقتی می‌خواهند خرج کنند، (لم یسرفوا و لم یقتروا)؛ نه اسراف می‌کنند، زیاده‌روی می‌کنند، نه تنگ می‌گیرند و با فشار بر خودشان، زندگی می‌کنند؛ نه، اسلام این را هم توصیه نمی‌کند. اسلام نمی‌گوید که مردم بایستی با ریاضت و زهد آن‌چنانی زندگی کنند؛ نه، معمولی زندگی کنند، متوسط زندگی کنند. اینکه می‌بینید بعضی از فضول‌های خارجی، دولت‌های خارجی، دائم و دم‌به‌ساعت، چندین سال است که ملت ما را تهدید می‌کنند که تحریم می‌کنیم، تحریم می‌کنیم، تحریم می‌کنیم. بارها هم تحریم کرده‌اند. به خاطر این است که چشم امیدشان به همین خصوصیت منفی ماست. ما اگر آدم‌های اهل اسراف و ولنگاری در خرج باشیم، ممکن است تحریم برای آدم مسرف و ولنگار سخت تمام بشود؛ اما ملتی که نه، حساب کار خودش را دارد، حساب دخل و خرج خود را دارد، حساب مصلحت خود را دارد، زیاده‌روی نمی‌کند، اسراف نمی‌کند، خوب، تحریم کنند. بر یک چنین ملتی از تحریم ضرری وارد نمی‌شود. (بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۶/۰۷/۲۱)

۷. رعایت اعتدال در تمامی ابعاد زندگی :

مقام معظم رهبری بیان نمودند : عدالت صرفاً در اقتصاد نیست؛ در همه‌ی امور بایستی انسان از خدای متعال بخواهد که عادلانه عمل کند؛ با خودش هم انسان با عدالت رفتار کند؛ با نزدیکان با عدالت رفتار کنید؛ با زن و فرزندان با عدالت رفتار کنید. گاهی بعضی از مسئولین دیدیم آنچنان غرق در کار می‌شوند که یادشان می‌رود از وجود همسرانشان و فرزندانشان؛ و این ضایعاتی را درست می‌کند. یعنی اینجور نیست که ما پای تعارف باشد، بگوییم: آقا! خواهش می‌کنیم بیشتر شما به خودتان برسید، شما هم بگویید نه، اشکال ندارد. اینجوری نیست. این یک تکلیفی است که انسان بایستی همسرش، فرزندانش، خانواده‌اش و کانون خانوادگی را حفاظت بکند. (قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها الناس و الحجارة)؛ خودتان و اهلتان را حفظ کنید. یعنی در کنار خود انسان ذکر شده. خدای متعال به پیغمبرش فرمود که : و لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کلّ البسط؛ نه دستهایت را به گردن خودت غل و زنجیر کن یعنی امساک بیش از حد. معنایش امساک بیش از حد است نه این کار را بکن؛ و نه (تبسطها کلّ البسط)؛ به کلی باز باز کن. یک وقت انسان دستش را جمع جمع می‌کند، یک وقت باز باز؛ نه، هیچ‌کدام از این‌ها نباشد. منظور این است که در امور مادی و مالی و اقتصادی، نه مشت بسته داشته باش، نه ولخرجی داشته باش. به پیغمبرش خدای متعال اینجوری سفارش می‌کند. و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما آخر سوره‌ی فرقان یعنی میانه‌رو در همه‌ی امور، انسان از افراط و تفریط باید بپرهیزد. (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۸/۰۶/۱۶)

۸. اعتدال در حرکت‌های انقلابی :

یک نکته هم خطاب به جوانان پرشور و انقلابی حوزه است، که متن حوزه غالباً همین جوان‌های پرشور و طلاب انقلابی هستند. عزیزان من! آینده مال شماهاست، امید آینده‌ی کشور شماها هست؛ باید خیلی مراقبت کنید. درست است که جوان طلبه‌ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ نبادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوان‌های انقلابی بدانند؛ همان طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی از مقدسات حوزه، به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع یک وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است، این خطاست. اقتضای انقلابی‌گری، این‌ها نیست. انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرایط زمانه را درک کند. مسئله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ این جوری نمی‌شود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مأیوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلایی یک چیز لازمی است. البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم

این جوهری دوست می‌دارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه‌ی انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد؛ واضح است. پس نه از آن طرف، نه از این طرف. (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹)

۹. اعتدال در بیان رنج‌های اسارت :

من عقیده دارم و تأکید می‌کنم که حتماً ماجراهای اسارت گفته شود، نوشته شود، به تصویر کشیده شود. کارهای هنری فاخر بر روی آن انجام بگیرد. این معنایش حمایت از یک قشر، دفاع از یک حادثه نیست؛ این معنایش امضاء کردن و محکم و قطعی کردن سند پیروزی ملت ایران است؛ و این کار باید انجام بگیرد. من از هنرمندان کشورمان و از مسئولان رسانه‌ها می‌خواهم که این کار را بکنند، و شما باید کمک کنید. خوشبختانه آن‌طور که حالا از بیانات دوستان استفاده شد و بنده هم بی‌اطلاع نیستم، سندهای زیادی وجود دارد، به‌علاوه خود شما سندهای زنده هستید؛ از حافظه‌ها کمک بگیرید، بدون کم و زیاد، بدون افراط و تفریط؛ آنچه که واقع شده، بگویید. وقتی این با بیان هنری همراه شود، در دل‌ها و روحیه‌ها غوغا می‌کند. این هم یک بعد قضیه‌ی اسارت شما و آزادگی شماست. (بیانات در دیدار جمعی از آزادگان، ۱۳۹۱/۰۵/۲۵)

۱۰. اصلاح افراط و تفریط و عدم فراموشی دشمن :

ایشان فرمودند : قرآن به ما یاد داده است که همیشه از اشتباهات خود یاد کنیم: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا و اسرافنا فی امرنا؛ نباید اسراف، زیاده‌روی، کوتاهی‌ها و افراط و تفریط خودمان را از یاد دور کنیم؛ باید به فکر اصلاح آن‌ها باشیم. اما این نباید ما را از عامل تشدیدکننده اشکالات که همان دشمن بیرونی است، غافل کند. در همین آیه شریفه که به ما تعلیم می‌دهد از گناه و اسراف خود استغفار کنیم، بلافاصله می‌فرماید : (و ثَبَّتْ اَقْدَامَنَا و انصرنا علی القوم الکافرین) ؛ یعنی دشمن بیرونی را هم مورد غفلت قرار ندهید. لوست که از اشتباهات شما حداکثر بهره را می‌برد. لذا دشمن بیرونی اشتباهات را تشدید می‌کند. (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹)

نتیجه‌گیری :

اندیشه‌های معظم له در خصوص معنای و مفهوم واژه‌ی اعتدال مطابق با آموزه‌های قرآن و روایات معصومین (ع) است. ایشان اعتدال را به‌عنوان یک اصل و ضرورت جامعه‌ی عنوان نموده و اصولی هم‌چون بازگشت به مبانی اسلامی، ایجاد محیط اسلامی، ایمان، پیروی از قرآن کریم و دوری از افراط و تفریط را از مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتدال‌گرایی در جامعه می‌دانند. ایشان شاخص‌های رسیدن به اعتدال در جامعه را رعایت نمودن مواردی چون عقلانیت توأم با معنویت، توزیع عادلانه امکانات، اصلاح الگوی مصرف، توجه به همه‌ی ابعاد زندگی، اصلاح افراط و تفریط و عدم فراموشی دشمن و... ذکر می‌کنند. از طرفی در شرایط کنونی نیز یکی از

تکالیف مهم مسلمانان نسبت به هم، حفظ اعتدال در جامعه و جلوگیری از تنش و جنجال‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و ... است تا بنا به فرموده معظم له انشا... مسلمان معاصر بتواند بدون افراط خشک‌سرانه و تفریط غرب‌گرایانه، با شعار الله اکبر و با ترکیب معنویت، عدالت و عقلانیت و با روش مردم‌سالاری دینی، از پس تحقیر، استبداد، عقب‌ماندگی، استعمار، فساد، فقر و تبعیض‌رهای یابد.

منابع :

- الحوزی‌الشرتونی‌البنانی، سعید(۱۴۰۳). اقرب الموارد، قم : کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۲.
- قرشی، علی اکبر(۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران : دارالکتب الاسلامیه، ج ۶.
- مجلسی، محمدباقر(۱۴۱۰). بحارالانوار، بیروت : مؤسسه الطبع و النشر، ج ۷۴.
- محمد بن مکرم، ابن منظور(۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت : دار الصادر، ج ۳.
- بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۹۰/۳/۱۴.
- بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷.
- بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۳/۸/۲۰.
- بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۸/۰۶/۱۶.
- بیانات در دیدار پرستاران و جانبازان، ۱۳۷۶/۰۶/۱۹.
- بیانات در دیدار پرشور هزاران نفر از مردم قم، ۱۹/۱۰/۱۳۸۸.
- بیانات در دیدار جمعی از آزادگان، ۱۳۹۱/۰۵/۲۵.
- بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۶/۰۷/۲۱.
- بیانات در دیدار دانشجویان نخبه، برتران کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی فرهنگی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۰۷/۱۷.
- بیانات در دیدار روسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش‌های مختلف نظام، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹.
- بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.
- بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.
- بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۹/۱۱/۱۳۹۰.
- بیانات در دیدار گروهی از خواهران پرستار، ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.
- بیانات در دیدار گروهی از زنان پزشک سراسر کشور، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.
- بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹.
- بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۶/۰۴/۱۳۹۳.



- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۱۱/۰۱.
- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.
- بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، ۱۳۷۶/۰۹/۱۸.
- بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.
- پیام به کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد، ۱۳۷۴/۱۲/۲۴.